

گزارشی از کارگاه توانمندسازی مؤسسان، مربیان پیش دبستانی شهر زاهدان

## « پیش دبستان، باغ دانایی و توانایی



به هر موفقیتی که می‌رسی، آدم‌ها سر می‌چرخانند، به تو نگاه می‌کنند و متر برمی‌دارند و فاصله خودشان تا تو را اندازه می‌گیرند. کمتر کسی از خودش می‌پرسد: این آدم چه سختی‌ها و مشکلاتی را طاقت آورده تا به اینجا راه رسیده و چه مسیر سخت و طاقت‌فرسایی طی شده تا انسانی به این شرایط و جایگاه برسد؟! انگار مسیر ناهموار موفقیت نامرئی است و این را هرگز کسی جز خودت نخواهد فهمید.

آدم‌ها اکنون تو را می‌بینند و تصور می‌کنند همان ابتدا روی قله متولد شده‌ای؛ غافل از اینکه نگاهی به مسیر ابتدا تا اکنون تو داشته باشند!

وقتی بعد از ۱۵۰۰ کیلومتر راه، قدم به شهر زاهدان در مرکز سیستان و بلوچستان می‌گذاری تا در جمع مؤسسان و مربیان پیش دبستانی از تجربه‌هایی سخن بگویی و شنونده‌ی فراز و فرود فعالیت‌ها باشی، احساس مفید بودن خواهی کرد.

در آخرین روزهای خردادماه ۱۴۰۳ به همت مسئولان آموزش و پرورش، در کانون فرهنگی تربیتی شهید کیخای شهر زاهدان، جلسه‌ای تشکیل شده است که در آن چندصد نفر آمده‌اند تا از تازه‌ترین مطالب علمی، آموزشی و تربیتی حوزه پیش دبستانی بیشتر بدانند. شما نیز با ما باشید.

## پیش دبستانی؛ دروازهٔ تعلیم و تربیت

آغاز جلسه را، به رسم میزبانی، علی جهان تیغ، معاون آموزش ابتدایی آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان، برعهده داشت. ابتدا با خوشامدگویی و قدردانی از حضور محمد ناصری، مدیرکل اسبق دفتر انتشارات و فناوری آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، و همراهان وی شروع کرد و سپس دربارهٔ اهمیت جایگاه دبستان و پیش دبستانی در تعلیم و تربیت گفت: «در باور عموم مردم، دورهٔ ابتدایی اساس و فونداسیون کار تلقی می‌شود، اما متخصصان آموزش و پرورش معتقدند اگر دورهٔ ابتدایی به‌عنوان پایه و اساس تلقی شود، دورهٔ پیش دبستان و کودکستان دروازهٔ ورودی این دوره تلقی خواهد شد.»

وی سپس افزود: «هر قدر این خانه استحکام بیشتری داشته باشد و هر قدر پایه و فونداسیون آن اساسی کار شده باشد، اگر در ورودی و خروجی آن باب دل صاحبخانه نباشد، ره به جایی نخواهد برد. پس دورهٔ پیش دبستان دروازهٔ ورود به تمام دوره‌های تحصیلی است. در سند تحول

بنیادین که در واقع مثل قانون اساسی حوزهٔ تعلیم و تربیت ما تلقی می‌شود، در بحث توانمندسازی آموزگاران و توانمندسازی فضای آموزشی نیز تأکید فراوان شده است.»

جهان تیغ در ادامه دربارهٔ نقش و جایگاه توانمندسازی مربیان و معلمان یادآور شد: «بنده معتقدم، توانمندسازی مورد اول ارجح بر مورد دوم است. یعنی توانمندسازی و دوره‌های آموزشی باید برای آموزگاران و مربیان و معلمان ما در اولویت باشد. ضمن اینکه تأکید وزارت آموزش و پرورش هم همین است. ادارهٔ آموزش و پرورش استان هم بر

این مورد تأکید فراوان دارد. ما برگزاری دوره‌های آموزشی و توانمندسازی همکاران خود را از هفته‌های قبل آغاز کرده‌ایم. لذا برای آموزگاران دورهٔ ابتدایی، برای چهار قطب زاهدان، در هفتهٔ قبل دوره‌ای آموزشی در سه درس ریاضی، علوم و فارسی دورهٔ آموزشی برگزار کردیم. در حال حاضر این برنامه برای قطب سیستان هم در حال برگزاری است.»

وی همچنین به تلاش همکارانش در این زمینه اشاره کرد و گفت: «ما همواره بر این موضوع تأکید داشتیم. باید از وجود متخصصان عرصهٔ تعلیم و تربیت نهایت استفاده را ببریم. شاید این فرصت دیگر پیش نیاید و ما دیگر نتوانیم چنین متخصصان و صاحب‌نظرانی را به استان خود دعوت کنیم. من در پایان وظیفهٔ خود می‌دانم از همکاران عزیزم در حوزهٔ معاونت آموزش ابتدایی و رئیس آموزش متوسطهٔ اول و اعضای محترم شورای مؤسسان مدرسه‌های غیردولتی و معاونان محترم ناحیه‌های یک و دو و همهٔ عزیزانی که در برگزاری این دورهٔ آموزشی ما را یاری دادند، تشکر و قدردانی کنم.»

## سعی ما ارائهٔ محتوایی جامع و کامل است

در ادامه، سیدکمال شهبابو، مدیر تولید انتشارات قصه و داستان، با اشاره به نقش و اهمیت دوره‌های پیش دبستان و دبستان و تأثیرگذاری آن با توجه به اهدافی که در اسناد بالادستی از زاویهٔ تربیتی برای هر کدام تعریف شده است، گفت: «مهم‌ترین عنصر آموزش و تربیت مربیان پیش دبستان و معلمان ابتدایی هستند؛ به‌خصوص مربیان پیش دبستان، که با نونهالان و نوآموزانی سروکار دارند که شاید فضای مدرسه و پیش دبستان نسبت به فضای خانهٔ آن‌ها کمی سختگیرانه‌تر باشد.»

سپس خطاب به مربیان و مؤسسان مراکز پیش دبستانی حاضر در جلسه و دربارهٔ تلاش‌های بی‌وقفهٔ آنان یادآور شد: «شما علاوه بر مربی‌بودن، به‌نوعی مادر این بچه‌ها نیز هستید و می‌کوشید از طریق بازی و تفریح اهداف والای پیش دبستانی را دربارهٔ بچه‌ها محقق کنید.»

شهبابو سپس به روال برگزاری کارگاه‌های پیش دبستانی و نقش و اهمیت سازمان تعلیم و تربیت کودک اشاره کرد و گفت: «چند سال است که سازمان تعلیم

و تربیت کودک تأسیس شده است. هر بسته‌ای که می‌خواهد وارد مراکز پیش دبستان شود، این سازمان باید آن را تأیید کند و البته خیلی از بسته‌ها را هم تأیید می‌کند. اگر بخواهیم به چشم خریدار و مخاطب به بسته‌ها نگاه کنیم، بعضی از آن‌ها صرفاً کتاب‌هایی هستند که اسم بسته به خود گرفته‌اند. اما برخی از آن‌ها واقعاً جامع و کامل هستند و به غیر از کتاب، محتوای افزودهٔ دیگری دارند و پشتیبانی‌های زیادی نیز از آن‌ها می‌شود. غیر از آنکه محتوای افزوده و رمزینة سریع پاسخ (کیوآرکد) و کتاب و لوحه‌های متعدد دارند، و بگانه هم

دارند که از آن‌ها پشتیبانی می‌کند. مهم‌تر از همه، تیم‌هایی هستند که تا آخر پشتیبان مربیان هستند. در حالی که برخی از ناشران تنها کتاب را تولید می‌کنند و در اختیار مخاطب قرار می‌دهند و کار تمام می‌شود.»

شهبابو که سابقهٔ سه دهه فعالیت در آموزش و پرورش را دارد، در زمینهٔ ارائهٔ تجربه‌های مفید به مربیان و مؤسسان پیش دبستانی، خطاب به حاضران در جلسه گفت: «تمام سعی و تلاش ما بر این است که محتوایی جامع و کامل و در راستای اهداف مدنظر در اختیار شما قرار گیرد. در همین رابطه بسته‌هایی را برای شما در نظر گرفته‌ایم که امیدواریم به‌زودی در اختیارتان قرار بگیرد تا بتواند در رسیدن به اهداف مدنظر کمک‌تان کند.»

وی در پایان صحبت‌های خود، مدرس کارگاه، یعنی محمد ناصری را معرفی کرد و گفت: «دبیر این مجموعه و برگزارکنندهٔ کارگاه، جناب آقای ناصری هستند. ایشان مدیرکل سابق دفتر انتشارات و فناوری آموزشی بودند. آنچه مهم است اینکه ایشان نویسنده و متخصص دورهٔ پیش دبستان هستند. آقای ناصری

**ما همواره بر این مورد  
تأکید داشتیم از وجود  
متخصصان عرصهٔ تعلیم  
و تربیت باید نهایت  
استفاده را ببریم**



که برای او تازگی دارد.»

وی در این زمینه بیشتر توضیح داد: «این بسته در سازمان تعلیم و تربیت کودک به عنوان بسته‌ای جامع در نظر گرفته شده است؛ بسته‌ای که اگر وارد پیش‌دبستان شود، بتواند ساعت‌های زیادی از زمان بچه‌ها را پوشش دهد؛ البته نه به عنوان مهارتی خاص یا ویژگی خاصی که ممکن است در یک کاردستی یا اسباب بازی هم وجود داشته باشد، بلکه چنانکه اهداف متصور و آنچه مربی پیش‌دبستان باید بتواند انجام دهد، به طور جامع و کامل ارائه شود و یک سال تحصیلی را پوشش دهد. یادمان باشد، اگر یک نفر به شما گفت چرا فلان مجموعه داستان را برای کار خودتان استفاده نمی‌کنید، باید بدانید که آن کتاب داستان به‌تنهایی دیگر عنوان بسته را با خود ندارد. بسته‌ای که من افتخار دارم در مورد آن صحبت کنم، تا به امروز سه بار تغییراتی را به خود دیده است. چاپ اول آن دو سال پیش بود که برگزیده شد. سال دوم تغییراتی در آن صورت گرفت و سال سوم نیز باز دچار تغییرات دیگری شد. من قرار است درباره این تغییرات و نحوه استفاده از این بسته با شما صحبت کنم.»

این نویسنده مطرح کشور و دبیر بسته تربیت و یادگیری در ادامه درباره دو عنوان «کارگاه» و «بسته آموزشی» برای حاضران در جلسه توضیح داد و گفت: «کارگاه ما برای توانمندسازی مربیان است. البته نمی‌توانیم به این جلسه فعلی که باهم داریم عنوان کارگاه بدهیم، چون در کارگاه افراد کمتر و محدودتری حضور دارند و تعامل بسیار جدی‌تر است، ولی این بسته چنان است که جزئیات بسیاری دارد. من ناچارم در ابتدا گزارش جامعی از آن ارائه کنم و بعد با هم وارد گفت‌وگو شویم. قبل از اینکه وارد معرفی اجزای بسته شوم، باید به این نکته مهم اشاره کنم که دوره پیش‌دبستان و دوره ابتدایی تفاوت بسیار مهمی با هم دارند. ابتدایی از پایه اول شروع می‌شود و در آموزش و پرورش ایران تمام تولیدات آن در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به‌صورت متمرکز صورت می‌گیرد. من بیشتر عمر آموزشی و پرورشی خود را در آنجا بوده‌ام. سازمان پژوهش می‌گوید، از اول ابتدایی باید فلان منابع مشخص آموزشی را آموزش دهید و از بچه‌ها به این صورت بی‌رسید و ارزیابی کنید و در نهایت اگر بچه‌ها از

کتاب‌های متعددی دارند که کتاب سفرنامه ایشان به حج، با عنوان «جای پای ابراهیم»، کتاب شایسته سال جمهوری اسلامی ایران هم شده است.

### دروازه ورودی باغ دانایی و توانایی

محوریت اصلی برنامه در این نشست را محمد ناصری برعهده دارد؛ برنامه‌ای که هدف آن ایجاد فرصت آشنایی بیشتر با حوزه تربیت و یادگیری پیش‌دبستانی و ارائه تجربه‌هایی در این حوزه است. او در ابتدا ضمن تشکر و قدردانی از مسئولان آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان، به ویژه مسئولان دوره ابتدایی، برای فراهم آوردن این فرصت اظهار خرسندی کرد و گفت: «امیدوارم در این جلسه کار ما موجب کیفیت‌بخشی به فعالیت شما شود. اگر در این کارگاه بتوانیم این کار را انجام دهیم، وظیفه خود را انجام داده‌ایم. بنده در این جلسه به عنوان ناشر با شما صحبت نمی‌کنم، بلکه به عنوان دبیر یک بسته آموزشی و دبیر یک مرکز آموزشی با شما صحبت می‌کنم. ناشر کتابی را منتشر می‌کند و در اختیار مخاطبان خود قرار می‌دهد. حال اگر این کتاب چندوجهی و چندرسانه‌ای هم باشد، تفاوتی نمی‌کند. یعنی اگر ناشر امکاناتی برای سمعی و بصری بودن کتاب خود فراهم کرده باشد، آن محصول در حد یک نشر می‌ماند.

این بسته پیش‌دبستان ما نشر کتاب نیست. کتابی نیست که در اختیار شما قرار بگیرد و شما بتوانید آنچه را در ذهن مؤلفان آن بوده است به‌عینه اجرا کنید.»

ناصری در ادامه گفت: «تعامل دو سویه بسیار بسیار مهم است. اگر یک بسته توانست با مخاطبان خود ارتباط برقرار کند، حرف‌های آن‌ها را بشنود، نکات درست را در ویرایش جدید پیاده کند و مجدداً تصحیح و اصلاح کند و تکمیل و تولید و تصحیح کار خود را به‌طور فرآیندی انجام دهد، دقیقاً موفق‌تر است. اگر کسی از بسته من می‌داند، من می‌توانم استفاده کرده باشد، باز هم من در این جلسه حرف‌هایی دارم





نقطه الف به نقطه ب رسیدند، توانایی این را دارند که به پایه بالاتر بروند. آموزشی کاملاً رسمی و مشخص به معنای واقعی آموزش.

اما دنیای پیش دبستان تفاوتی ماهوی با ابتدایی دارد. اول اینکه آموزش آن رسمی نیست. دومین تفاوت اختیاری بودن و غیر اجباری بودن پیش دبستان است. نکته سوم این است که مانند ابتدایی ارزیابی و امتحان ندارد. چهارم اینکه دنیایی کاملاً متفاوت است؛ همان دروازه‌ای است که جناب آقای دکتر جهان تیغ به درستی به آن اشاره کردند و گفتند بچه‌ها از این دروازه وارد می‌شوند. این دروازه واقعاً به مثابه ورودی به باغی است که باغ پیش دبستان است. پیش دبستان فضایی نیست که شما فکر کنید باید چیزی را به بچه‌ها یاد دهید. قرار هم نیست چیزی را به آن‌ها یاد دهید.

نقطه الف به نقطه ب رسیدند، توانایی این را دارند که به پایه بالاتر بروند. آموزشی کاملاً رسمی و مشخص به معنای واقعی آموزش.

اما دنیای پیش دبستان تفاوتی ماهوی با ابتدایی دارد. اول اینکه آموزش آن رسمی نیست. دومین تفاوت اختیاری بودن و غیر اجباری بودن پیش دبستان است. نکته سوم این است که مانند ابتدایی ارزیابی و امتحان ندارد. چهارم اینکه دنیایی کاملاً متفاوت است؛ همان دروازه‌ای است که جناب آقای دکتر جهان تیغ به درستی به آن اشاره کردند و گفتند بچه‌ها از این دروازه وارد می‌شوند. این دروازه واقعاً به مثابه ورودی به باغی است که باغ پیش دبستان است. پیش دبستان فضایی نیست که شما فکر کنید باید چیزی را به بچه‌ها یاد دهید. قرار هم نیست چیزی را به آن‌ها یاد دهید.

### پیش دبستانی، دنیای عاطفه و احساس

ناصری در ادامه تشریح جایگاه پیش دبستانی و نقش و اهمیت آن یادآور شد: «دلیل آنکه در پیش دبستانی نمی‌شود به موضوع یاددادن پرداخت، این است که دنیای پیش دبستان دنیای دیگری است. کودک پنج‌ساله‌ای که از این دروازه وارد می‌شود، از خانه و نزد مادر خود آمده و قرار است از این وابستگی خارج و وارد محیطی شود که در آن فردیت و منیت فردی خود را ضمن بازی با دوستان و هم‌بازی‌های جدید اعلام کند. ضمن آشناسدن در این زمینه، تجربه هم کسب کند، کم‌کم کار گروهی را یاد بگیرد و به‌طور طبیعی در بستر بازی‌های خود به شکل خودبه‌خود مجموعه‌ای از آموزش‌ها را کسب کند. برای بیان تفاوت بین دنیای پیش دبستان با دوره ابتدایی شاید بتوان این‌طور مثال زد: نوه‌ها با مادر بزرگ‌ها ارتباط عمیق‌تری دارند. چون مادر بزرگ‌ها با داشتن تجربه زیاد دوست ندارند بچه را در منگنه قرار دهند و همیشه حامی هستند. نوه هر طور باشد، پدر بزرگ و مادر بزرگ همیشه حامی او هستند. یعنی بچه نزد مادر بزرگ خیلی راحت‌تر و آزادتر و مختارتر است. ولی این‌قدر چتر این مهربانی روی سر نوه می‌افتد که او بدون امر و نهی، به شکل آزاد عمل می‌کند. حال شما مربی پیش دبستان، با اینکه بسیار جوان هستید، چرا می‌توانید به‌مثابه مادر بزرگ باشید؟ چون مادر می‌خواهد خیلی سریع این بچه را بزرگ کند و به او نکاتی را یاد بدهد تا بچه‌ها از بقیه بهتر شود و بالاتر از سایرین قرار گیرد. و این آغاز انحراف است. در حالی که وظیفه شما به‌عنوان مربی پیش دبستانی، مهربانی

دبیر بسته «هن می‌دانم، من می‌توانم» درباره نگاه کودکان نسبت به مربیان خود گفت: «وقتی دوره پیش دبستان تمام می‌شود، اگر از بچه بپرسید مربی چطور بود و به شما چه چیزهایی یاد داد، پاسخ چنین خواهد بود که مهربان بود، شوخ بود، با ما بازی می‌کرد و بازی‌های جدید به ما یاد داد. با او راحت بودیم. قصه می‌گفت، شعر می‌خواند و فیلم‌های خوبی برای ما پخش می‌کرد. در گردش و تفریح از بودن در کنارش لذت می‌بردیم. یعنی تمام حرف‌های آن‌ها از این جنس خواهد بود. شما نمی‌توانید بچه‌های پیش دبستانی پیدا کنید که بگویند من از مربی چیزهای زیادی یاد گرفتم. این لحن بزرگانه است و بچه اصلاً این جمله را نمی‌گوید. زیرا دنیای پیش دبستان دنیای عاطفه و احساس است، نه دنیای علم و دانش. شما باید تأثیر خود را بر احساس بچه‌ها بگذارید، نه اینکه روی عقل و منطق بچه تمرکز کنید. این کار باید در جای دیگری انجام شود. اگر این ویژگی را داشتید و توانستید این ارتباط را برقرار کنید، بیش از ۵۰ درصد راه را رفته‌اید و اگر این ویژگی را نداشته باشید و دنیایی خیالی برای خودتان در مورد پیش دبستان تصور کنید، یا اینکه والدین آن را به شما تحمیل کنند یا متخصصان گران‌قدر به شما بگویند چکار کنید و بگویند ما در پیش دبستان کارهای زیادی می‌کنیم و ریاضی و علوم یاد می‌دهیم، این‌ها همه اشتباه هستند.»

دبیر اسبق جشنواره کتاب رشد همچنین به وجود مستندات در این حوزه اشاره کرد و گفت: «تمام صحبت‌هایی که عرض می‌کنم، بر اساس اسناد بالادستی آموزش و پرورش هستند و تخیلی نیستند. بچه پیش دبستان از مادر خود جدا شده است و دلیلی برای این جدایی ندارد. تنها دلیل جدایی او این است که امکان بازی در خانه محدود است و حالا من در حال ورود به فضایی هستم که می‌توانم بیشتر بازی کنم و هم‌بازی‌های بیشتر پیدا کنم و بیشتر لذت ببرم. این کلمات برای بچه پیش دبستان بیشتر معنا دارند. اینکه بچه پیش دبستان برود و دانشی کسب کند تا وقتی به اول ابتدایی می‌رود بالاتر از سایر بچه‌ها باشد، واقعاً نظرات بی‌اساسی هستند. بچه در پیش دبستان مهارت فرا می‌گیرد و اگر به پیش دبستان نرود، نسبت به بچه‌هایی که

پیش دبستان رفته‌اند، عقب‌تر است. دنیای پیش‌دبستان جنس دیگری دارد؛ جنس آن از نوع مهارت و تأثیرگذاری واقعی بر رفتار است. این موارد را بچه از رفتار و نوع سلوک و اداره کلاس توسط مربی یاد می‌گیرد، نه از جای دیگر.

محمد ناصری بعد از ارائه این مقدمات به سراغ معرفی بسته تربیت و یادگیری و یک نمونه آن مانند «من می‌دانم، من می‌توانم» و اهمیت و نقش آن در پیش‌دبستانی رفت و از تأثیری که مجموعه فعالیت‌های این بسته می‌تواند روی دنیای احساسی کودکان بگذارد، گفت: «پشت این بسته روح و فلسفه‌ای وجود دارد که اگر مربی از آن مطلع باشد، می‌تواند به راحتی با آن کار کند. اما اگر آن را نداند و از او سؤال کنید، چون بر هیچ تفکری مبتنی نیست، ممکن است نتواند پاسخ دهد. من امروز می‌خواهم خدمت شما عرض کنم که پشت این بسته چه تفکری وجود دارد.

این بسته ظاهری دارد شامل چهار کتاب ۴۰ صفحه چهاررنگ. چیزی به غیر از عنوان و سرفصل در آن نوشته نشده و فقط تصویر است. هر کتاب برای دو ماه است. کتاب اول بدن من است، بعد خانه من، سپس شهر من و در انتها هم دنیای من.

در مهرماه شما یکی از این کتاب‌ها را به نوآموز می‌دهید. از همان هفته اول به بچه کاربرد می‌دهید. بسته یک مجموعه کاربرد دارد که ۷۲ صفحه دارد و چسبی هستند و باید آن‌ها را جدا کنید. بعضی افراد این قسمت را سیمی می‌کنند که اشتباه است. ما آن را به این شکل طراحی کرده‌ایم تا بتوان کاربرگ‌ها را جدا کرد و به دست بچه‌ها داد. بنابراین، تا اینجا چهار جلد کتاب داریم. بخش دیگر هم کتابی به نام راهنمای والدین است که ۳۲ صفحه دارد. در همان روز اول راهنمای والدین

را هم به بچه می‌دهید تا به منزل برود و به والدین بدهد. چرا باید این کتاب راهنما را به والدینش بدهد، زیرا حرف‌هایی را که من به شما گفتم، پدر و مادر هم باید بدانند و متوجه شوند که دنیای پیش‌دبستان با ابتدایی متفاوت است. آن‌ها باید بدانند در پیش‌دبستان چه اتفاق‌هایی می‌افتد. باید بدانند وقتی فرزندشان به خانه می‌آید و می‌گوید خیلی لذت بردم، دیگر سؤال نکنند و ابهام نداشته باشند پس چه چیزی در پیش‌دبستان یاد گرفت و من برای چه شهریه می‌دهم! اگر والدین این کتاب را بخوانند، کاملاً با فضا آشنایی پیدا می‌کنند و می‌دانند وقتی بچه وارد پیش‌دبستان می‌شود، قرار است کارتون ببیند، شعر بخواند، قصه گوش کند، گردش علمی برود و فعالیت‌های دیگری در قالب‌های دیگری انجام دهد که خدمت شما عرض خواهم کرد.

به غیر از این موارد که یکی از این‌ها به والدین و پنج مورد دیگر مربوط به بچه‌هاست، دو بخش دیگر هم هست که به مربی مربوط است و مهم‌ترین آن و عمود خیمه یادگیری، یعنی کتاب مربی است. این کتاب قبلاً چهار جلد بود. یعنی

بدن من ۲۰۰ صفحه، خانه من ۲۰۰ صفحه، شهر من ۲۰۰ صفحه و دنیای من هم ۲۰۰ صفحه. سال اول که ما با مربیان صحبت می‌کردیم، نظرشان این بود که این ۸۰۰ صفحه خیلی زیاد است و ما نمی‌رسیم. خواهش کردند آن را کمی جمع و جورتر کنیم. البته درست می‌گفتند، چون هزار فعالیت داشت. ما ۵۰۰ فعالیت را بردیم داخل این کتاب که یک جلد شد و ۳۶۰ صفحه است. برای هر کتاب یک مجموعه فعالیت بیشتر تعریف کردیم که اگر یک مربی دوست داشت، از آن استفاده کند. مثلاً کتاب بدن من سه رمزینه دارد که یکی از آن‌ها فعالیت‌های بیشتر است و وقتی شما آن را اسکن می‌کنید، با فعالیت‌های مرتبط زیادی روبه‌رو می‌شوید. اگر دوست داشتید آن‌ها را انجام دهید و اگر هم دوست نداشتید، اصلاً خودتان را ناراحت نکنید. ما توصیه من این است که حتماً آن را اسکن کنید و نگاهی به آن بیندازید، چون حتماً از بعضی فعالیت‌ها خوشتان خواهد آمد.»

## لوحه‌ها را جدی بگیریم

ناصری در تکمیل توضیحات خود درباره این بسته گفت: «در اینجا یک لوحه هم داریم. مؤسسان عزیز باید این لوحه‌ها را اول سال چاپ می‌کردند و در اختیار مربیان قرار می‌دادند، ولی خیلی از مؤسسان می‌گفتند مگر این تصویر همان تصویر کتاب نیست! پس لازم نیست آن را چاپ کنیم. از همان کتاب استفاده کنید. ما با علم به اینکه تصویر این لوحه همان تصویر موجود در کتاب است، اما لازم است چاپ شود و روی دیوار کلاس قرار بگیرد تا بچه در مدت دو ماه به‌طور دائم آن پرده را ببیند، این لوحه‌ها را بسیار خوش‌رنگ روی پارچه چاپ کردیم تا در معرض دید بچه‌ها نصب شوند.»

دبیر مجموعه من می‌دانم، من می‌توانم در ادامه این معرفی، از وجود بیش از ۳۰ قطعه فیلم، بیش از ۶۰ قطعه شعر و بیش از ۷۰ قطعه قصه متنی و صوتی درون این بسته سخن گفت و تأکید کرد: «یکی از رخدادهای امسال این بود که گروه رادیونمایش تمام شعرها و قصه‌ها را دوباره اجرا کردند تا مربیان با کیفیت بالاتری استفاده از این قابلیت‌ها کنند و بهره ببرند. نمونه قبلی این کار آهنگین نبود. این بار صدای پیشه‌های رادیونمایش آن را اجرا کردند. تلاوت‌های مربوط به قرآن در این کتاب‌ها را یکی از قاریان خوب و حرفه‌ای اجرا کرده است تا بچه‌ها از شنیدن صوت آن لذت ببرند.»

محمد ناصری همچنین از وجود یک دستیار مربی مورد توجه بچه‌ها، به نام پاپالو، تعریف کرد و گفت: «در تمام کتاب‌های نوآموز یک پروانه وجود دارد که نام آن پاپالوست. پاپالو در گویش سنگسری و سمنانی به معنای پروانه است. در گویش گیلکی به پروانه پاپالی می‌گویند. پس پاپالو اسم جدیدی است و یک پروانه است. وقتی بچه‌های پیش‌دبستانی می‌آیند، سؤال می‌کنند او کیست؟ ما به آن‌ها می‌گوییم اسم او پاپالوست. پروانه

**شما علاوه بر مربی بودن، به نوعی مادر این بچه‌ها نیز هستید و سعی بر آن دارید از طریق بازی و تفریح اهداف والای پیش دبستانی در مورد بچه‌ها محقق شود**

است. اینجاست که آن‌ها وارد بازی تازه‌ای می‌شوند. این پروانه به‌عنوان دستیار مربی در همه جا حضور دارد.

وقتی از آن دروازه وارد این باغ می‌شوید، باید برای بچه‌ها چیزهای جدیدی داشته باشید. حال شما یک پروانه، یک مجموعه کتاب و کاربرگ و بازی‌های زیادی دارید که باید از آن‌ها کمک بگیرید. اصل قضیه سرگرم کردن، بازی کردن و برنامه‌داشتن است. برنامه‌داشتن به این معنی نیست که شما به بچه‌ها بگویید ساکت باشید، می‌خواهم برای شما قصه بخوانم. در صورتی که بچه در حال و هوای بازی و دودیدن باشد، اصلاً حواسش به قصه نخواهد بود. نگران نباشید که مثلاً سیلابس درسی شما ممکن است عقب بیفتد. اصلاً قائل به این نباشید که حتماً باید ۵۰۰ فعالیت را انجام دهید. شما مربیان حس و شامه‌ای قوی دارید و می‌دانید در هر لحظه چه چیزی جواب می‌دهد. بچه پنج‌ساله نمی‌تواند بیش از سه دقیقه تمرکز کند. او دائم می‌خواهد راه برود و حرکت کند. پیامبر(ص) می‌فرمایند بچه تا سن هفت‌سالگی پادشاه است. شما نمی‌توانید به کسی که پادشاه کلاس است، مدام دستور دهید بنشین و فلان کار را انجام بده. او پادشاه است و دوست ندارد حرف شما را گوش دهد. شما فقط تسهیلگر هستید. پادشاهان نیز وزیران هوشمندی داشتند که آن‌ها را سامان می‌دادند. پادشاهان امر می‌کردند، ولی وزیران آن را انجام می‌دادند و تأثیر می‌گذاشت. شما می‌توانید روی این پادشاهان و امپراتوران کلاس تأثیر بگذارید. اگر کاری را که می‌گویید انجام نمی‌دهند، باید بگویید اشکالی ندارد، دوست دارید چه کاری انجام دهید؟ اگر پیشنهاد خود را با مهربانی به آن‌ها بگویید، خواهند پذیرفت.

ناصری، ایده‌پرداز جریان قصه در مدرسه، از وجود ۱۱ قالب در دل این کار یاد کرد که مربیان بنا به سلیقه و موقعیت کلاس قادرند از آن‌ها برای فعالیت‌ها بهره ببرند.

او همچنین از این فعالیت‌ها به‌عنوان ابزارهایی نام برد که مربیان با استفاده از آن‌ها مسیر حرکت را به سمت و سوی می‌برند که بچه‌ها در طول مدت یک سال با مجموعه مفاهیم و مهارت‌هایی که نسبت به آن‌ها شناخت نداشتند، آشنا شوند و آن مهارت‌ها را نیز یاد

بگیرند. وی در تکمیل این بخش از صحبت‌هایش گفت: «تازه اینجاست که کودک به مادرش خواهد گفت در طول این مدت چه چیزهایی را یاد گرفته است. برای مثال، وقتی با افراد روبه‌رو می‌شود، به آن‌ها سلام می‌کند، یا بعد از خوردن غذا تشکر می‌کند. حتی وقتی در حال دودیدن است و با شخصی برخورد می‌کند، قادر است به او بگوید ببخشید. این‌ها از جمله توانایی‌ها و مهارت‌هایی هستند که بچه‌ها یاد می‌گیرند و تمامی آن‌ها در حین عمل یاد گرفته می‌شوند.»

ناصری سپس به موضوعی مرسوم و رایج در قصه‌خوانی برای بچه‌ها در سطح‌های گوناگون اشاره کرد و گفت:

«اگر شما قصه‌ای را برای بچه‌ها بخوانید و سپس از آن‌ها سؤال کنید از این داستان چه نتیجه اخلاقی‌ای گرفته‌اید، باید بدانید هیچ کاری انجام نداده‌اید و نتیجه‌ای نخواهید گرفت، زیرا بچه‌ها بعد از این ماجرا دیگر قصه شما را گوش نمی‌کنند. این در حالی است که نوع پرسیدن و سؤال شما باید طور دیگری باشد. مثلاً از بچه‌ها سؤال کنید آیا از شنیدن این داستان و قصه لذت برده‌اند؟ از قصه خوششان آمده است و خودشان می‌توانند این قصه را دوباره تعریف کنند؟ گاهی شاهد خواهید بود که بچه‌ها نکته‌ها و چیزهایی تعجب‌آوری از قصه برای شما تعریف می‌کنند که شما را شگفت‌زده خواهد کرد.»

## فراز و فرودهای عاطفی

ناصری که تجربه داوری کتاب‌های کودک و نوجوان را نیز دارد، در بخش دیگری از این جلسه، تجربه سایر کشورها از جمله ژاپن را مثال زد و گفت: «در ژاپن هر مربی و معلم باید سالانه حداقل ۵۰ کتاب را در پایه‌ای که تدریس می‌کند، خوانده باشد و ۱۰۰ فیلم و کارتون نیز دیده باشند. چرا که وقتی نسل‌ها تازه می‌شوند، ما از دنیای آن‌ها فاصله می‌گیریم، ولی قصه‌ها ما را به دنیای بچه‌ها می‌برند. این موضوع امر اهمیت دارد، چون نقاش کودک، قصه نویس کودک، کارگردان فیلم‌های کودکان و کسانی که کارتون می‌سازند شرایط خود را به‌گونه‌ای آماده می‌کنند که در همان دنیای کودکی بمانند. من خودم ۱۱ سال پایان خدمت مدیر مسئول مجلات رشد بودم. ما حدود ۳۵ نوع مجله برای مخاطبان متفاوت داشتیم. اما مجله‌ای که اتاق آن همیشه مانند مهد کودک پر و لبریز از سر و صدا بود، رشد کودک بود. زمانی که من خانم شکوه قاسم‌نیا را به همکاری دعوت کردم، ایشان به من گفت من جلسات خود را به چهار بعدازظهر به بعد مؤکول می‌کنم، چون سروصدای جلسات ما زیاد است. شما از این بابت از کار ما آگاه باشید. چون ما دست می‌زنیم و بلند می‌خندیم، جلسات خود را بعدازظهر برگزار می‌کنیم تا اتاق‌های دیگر اذیت نشوند. وقتی چهار به بعد بقیه همکاران می‌رفتند، ما صدای آن‌ها





وسيله‌ای؟ یکی از این وسایل پاپالوست.»

در این بخش از برنامه نور چراغ‌های فضا کم شد تا حضاران بتوانند چند کلیپ و موشن گرافی مرتبط با این بسته تربیت و یادگیری را به تماشا بنشینند که از آن جمله معرفی پاپالو بود. این پروانه که دستیار آموزشی مربیان است، با صدایی بسیار قشنگ و زیبا خود را معرفی می‌کند و نکته‌هایی را با مخاطبان در میان می‌گذارد. یک مجموعه رمزینة سریع پاسخ (کیوارکد) نیز به حضاران در سالن معرفی شد تا از طریق آن‌ها بتوانند با قابلیت‌های این بسته در قالب متن، صدا و فیلم بیشتر آشنا شوند.

### مشاهده را در کودکان جدی بگیریم

ناصری پس از به‌نمایش درآمدن این فایل‌های تصویری افزود: «بچه‌هایی که تازه به دنیا می‌آیند، همین که چشم‌های خود را باز می‌کنند و یکی دو ماه از تولد آن‌ها می‌گذرد، اگر چیزی جلوی چشم آن‌ها بگیرد یا آن را حرکت دهید، می‌بینید با چشم خود می‌خواهند همه چیز را ببینند. چون همه چیز برای آن‌ها تازگی دارد. این تازگی و مشاهده که در یادگیری خودبه‌خود بسیار مهم است، متأسفانه چون تقویت نمی‌شود، کم‌کم رو به افول می‌گذارد. در صورتی که خیلی چیزها را می‌توان از مشاهده یاد گرفت. مشاهده موضوعی است که هر مربی توانایی به آن بیشتر دقت می‌کند. ما با تولید این لوحه‌ها به‌طور دائم به مربی تأکید می‌کنیم شروع آموزش می‌تواند با مشاهده باشد.»

در ادامه این جلسه لوحه‌هایی که محمدناصری طی صحبت‌های خود به آن‌ها اشاره کرد، یک به یک معرفی شد تا حضاران از قابلیت‌های این پرده‌ها و تصویرهای زیبای تربیت و یادگیری بیشتر بدانند. او این لوحه‌ها را به مثابه پرده‌خوانی‌های سالیان دور دانست که هنوز هم در برخی مناطق استفاده می‌شوند. او از ارزش‌های تربیتی این ابزارها برای حضاران صحبت کرد و گفت: «در آن زمان که فناوری تولید تصویر مانند امروز نبود، از پرده‌ها که نقاشی‌های بسیار زیبایی هم داشتند، برای بیان داستان‌های دینی، مذهبی، تاریخی، شاهنامه و امثال آن استفاده می‌کردند. واقع، نقل‌ها یا پرده‌خوان‌ها با استفاده از کلام خود و تخیل،

را می‌شنیدیم. وقتی خودم هم از کار خسته می‌شدم، به اتاق آن‌ها می‌رفتم و می‌دیدم خوراکی‌های مختلف روی میز است و شاعران و نویسندگان دارند می‌نویسند. وقتی درباره این سبک کار آن‌ها سؤال کردم، خانم قاسم‌نیا گفتند بداهه می‌نویسیم. مثلاً یک لیوان می‌گذاشتند وسط و می‌گفتند در مورد این لیوان بنویسیم. ولی سعی می‌کردند در دنیای کودکان باشند و مثلاً دوسه دقیقه می‌نوشتند.

اگر شما اهل شعر و شاعری هم بوده باشید، می‌بینید شعرهایی در روح شما پرواز می‌کنند. همچنین، اگر قصه‌نویس باشید، مواقعی می‌بینید کلمات به مغز شما هجوم می‌آورند و شما تند و تند فقط باید بنویسید. گویا دارد به شما الهام می‌شود. دنیای کودکان به این شکل است و اگر بخواهید برای آن چیزی خلق کنید، این گونه است. اگر در مهد کودک سروصدا زیاد باشد، شما مؤسسان محترم نباید ایراد بگیرید. اصلاً باید همین گونه باشد. مدرسه جایی است که صدای بچه باید از آنجا شنیده شود، نه اینکه سکوت بچه‌ها برایتان مهم باشد. گاهی ممکن است سروصدای بچه‌ها زیاد باشد. بعد از مدتی می‌بینید بسیار ساکت هستند و به قصه مری گوشت می‌دهند. فراز و فرودهای عاطفی باید وجود داشته باشند.

ناصری در ادامه درباره ویژگی کار مربیان و معلمان نکاتی را با مربیان و حضاران جلسه در میان گذاشت و گفت: «باید یادتان باشد، شما مربی و معلم نامرئی هستید، نه مرئی! معلم اول ابتدایی باید چیزی را یاد بدهد و بعد از مدتی آن را پس بگیرد. ولی مربی پیش‌دبستان این شأن را ندارد، چون به معنی تعریفی که ما داریم، او معلم نیست. البته معلم واقعی و مربی واقعی است و در بستر طبیعی زندگی دارد یاد می‌دهد. اگر بخواهیم بگوییم معلم موفق آن است که با لطایف‌الحیل تعلیم و تربیت را بداند، مربیان پیش‌دبستان گول‌زدن‌های حرفه‌ای برای یادگیری را بلدند. این لطایف‌الحیل را از کجا یاد گرفته‌اند؟ اولاً از توانمندی‌های روحی خود و بعد به دلیل تلاشی که برای دریافت این ماجرا می‌کنند و اینکه پیش‌دبستان را چگونه اداره کنند. پس شما اگر معلم هم هستید، معلمی نامرئی هستید و دیده نمی‌شوید، اما در عمل کار خود را انجام می‌دهید. به چه

ما را به دوران متفاوت می‌برند و داستان‌های متعددی برایمان تعریف می‌کردند.

در همین باره نیز بچه‌های پیش‌دبستانی به شدت توانایی تخیل‌ورزی و خیال‌ورزی دارند. ما باید به خیال‌ورزی میدان بدهیم، چون یکی از نیروهایی که باعث می‌شود فردی دانشمند شود، نیروی خیال‌ورزی کودکان اوست و تخیلی که می‌کند.

## در ستایش اتلاف وقت

ناصری که رئیس سابق هیئت مدیره انتشارات مدرسه است، در ادامه این جلسه فراهایی از کتاب «در ستایش اتلاف وقت» را برای حضرات نقل کرد و گفت: «اخیراً کتاب بسیار جالبی خواندم که نام آن «در ستایش اتلاف وقت» است. این کتاب ترجمه است و نویسنده آن دانشمند و پژوهشگری است که در دانشگاه هاروارد آمریکا درس می‌دهد. نویسنده در کتاب توضیح داده است، زمانی که من در دانشگاه آمریکا و در ام‌آی‌تی درس می‌خواندم، در دوره فوق‌لیسانس نیمکتی بود که من روی آن می‌نشستم، پای خود را روی هم می‌انداختم و در عالم خود غرق بودم. بارها به من تذکر می‌دادند و می‌گفتند این دانشجو به جایی نمی‌رسد، چون خیلی اوقات به جای اینکه برود و در کتابخانه کتاب بخواند، نشسته است، کاری نمی‌کند و علاف است. نویسنده در آن مقدمه نوشته است تمام آن چیزهایی که جرقه آن‌ها بعداً در ذهن من خورد، روی همان نیمکت و در تخیلات من اتفاق افتاد.»

دبیر بسته تربیت و یادگیری همچنین درباره اهمیت تخیل، نکاتی را از مربیان و مؤسسان پیش‌دبستانی که در مرکز استان سیستان و بلوچستان پای سخنانش نشسته بودند یاد کرد و خاطره‌ای از استاد فرزانه، فیلسوف عالی‌قدر و پژوهشگر معاصر، علامه محمدتقی جعفری تعریف کرد. این خاطره به دوران موشک‌باران شهرها از جمله تهران مربوط بود که علامه جعفری به همراه خانواده دیگری در منطقه‌ای اطراف شهر مستقر شد. در آنجا کودک دوسال و نیمه‌ای هم حضور داشت. این کودک هر روز همراه علامه جعفری در باغ قدم می‌زد. بیشتر وقت این کودک با علامه جعفری در باغ می‌گذشت و همین باعث شگفتی و تعجب بزرگ‌ترهای او شده بود که فیلسوف چطور می‌تواند ساعت‌هایی را با کودک صرف کند و هر دو از این ماجرا خشنود باشند.

ناصری در ادامه این ماجرا گفت: «زمانی که من مشغول نوشتن زندگی‌نامه علامه جعفری بودم، ماجرای ارتباط و گفت‌وگوی فیلسوف با کودکی دوونیم ساله را از ایشان سؤال کردم و چنین جواب گرفتم: «این بچه دو ساله بعضی کلمات را بلد بود و بعضی را بلد نبود. وقتی پیش من می‌آمد و من با او در باغ قدم می‌زدم، دائماً در مورد چیزهایی که می‌بیند، از او سؤال می‌کردم. می‌خواستم متوجه شوم بچه دو ساله که دارد دنیا را کشف می‌کند، دنیا را چگونه می‌بیند و این خیلی جذاب بود.» ناصری در همین باره به مربیان توصیه کرد این کار را با کودکان انجام بدهند که بدانند بچه‌ها جهان را چگونه می‌بینند. او گفت: «با آنان حرف بزنید تا بدانید کودک چندساله برای خودش یک دریاست. وقتی شما با نوجوان یا جوانی هفده هجده ساله درباره موضوعی صحبت می‌کنید، خیلی راحت می‌گوید بله. این دریاست. این خورشید است و شبیه این. حال آنکه وقتی

با کودکی دوسه ساله صحبت می‌کنید، او شما را شگفت‌زده می‌کند و از آنچه می‌بیند لذت می‌برد. لذت‌بردن را باید تمرین کرد. مربی در این زمینه می‌تواند بسیار مؤثر واقع شود.

معلم اصلاً این دنیا را ندارد و این دنیا فقط به مربی تعلق دارد، زیرا هیچ اجباری در آن وجود ندارد. اگر می‌خواهید مربی موفقی باشید، فقط باید با بچه‌ها کیف کنید و لذت ببرید.

## مقایسه و مسابقه در پیش‌دبستان ممنوع!

در این فرصت فاصله‌ای برای استراحت حضرات در جلسه در نظر گرفته شد تا شرکت‌کنندگان درباره آنچه در جلسه مطرح شده بود باهم تبادل نظر کنند. سپس جلسه با صحبت‌های محمد ناصری ادامه پیدا کرد. او ابتدا با صفحه اینفوگراف یا به تعبیر فارسی شده فرهنگستان ادب و فارسی، «اطلاع نگاشت»، شروع کرد و در همین ابتدای بخش دوم جلسه، کلیپی از پاپالو برای حضرات به نمایش گذاشته شد تا اطلاعات بیشتری در این رابطه دریافت کنند.

ناصری سپس ادامه داد و گفت: «این اینفوگراف در ابتدای هر کتاب و همچنین در ابتدای راهنمای نوآموز و راهنمای مربی وجود دارد. این نقشه راه در کتاب برای مدت دو ماه در نظر گرفته شده است که سه تا چهار نکته در آن برای شما گفته شده است. اول اینکه در هر هفته گفته شده هدف در این هفته چه چیزی است. چرا این موضوع را گفته است؟ برای اینکه شما راه را گم نکنید و روی آن موضوعات متمرکز شوید. نکته دیگر اینکه موضوع اصلی در کل کتاب‌ها یا به تعبیر شما واحد یادگیری، کاملاً مشخص است که چیست. تمرکز شما باید روی آن نقطه باشد. مثلاً احساسات یا مثلاً حواس و اجزای بدن در کتاب بدن من. یا در کتاب شهر من مدرسه یا مسجد موضوع است.

پس تمرکز یعنی باید ذهن بچه روی این نقاط معطوف شود. بنابراین، هدف و موضوع محوری و حتی برنامه دقیق روزانه نیز گفته شده است. شما پنج روز کاری دارید و در اینجا هم پنج مستطیل وجود دارد که حتی مشخص کرده است وقتی شما این صفحه از کتاب نوآموز را درس می‌دهید، باید به کدام صفحه از کتاب مربی مراجعه کنید.

من تمام این صحبت‌ها را بیان کردم، اما انجام تمام فعالیت‌ها پیشنهادی است. یعنی اگر شما در پخت و پزی که قرار است برای بچه‌ها انجام دهید، خواستید چیز دیگری بیابید، می‌توانید آن را مطرح کنید.»

دبیر بسته تربیت و یادگیری همچنین برخی دیگر از ویژگی‌های این بسته را برای شرکت‌کنندگان توضیح داد و افزود: «نکته اول و اصلی این است که دست و بال شما باز است. نکته دوم این است که ما از اول ابتدایی به بعد بودجه‌بندی داریم و در پیش‌دبستان نداریم.»

یادتان باشد، کسی به ما الزام نکرده عیناً این نقشه را انجام دهیم. مثلاً اگر یک نوآموز در هفته سوم به مسافرت رفته بود و به پیش‌دبستان نیامد و حتی هفته چهارم را نیز نیامد، یعنی به‌طور کلی به مدت دو هفته به پیش‌دبستان نیامد. بعد از دو هفته، نباید به پدر و مادر بگویید این موارد را به بچه یاد دهید. فرض کنید به دلیل موقعیت اقلیمی زاهدان، مثل آلودگی هوا، وجود باد و طوفان یا هر علت دیگری، اگر کودک به پیش‌دبستانی نیامد، شما نباید بازگشت به عقب داشته





ناصری در ادامهٔ جلسه، دربارهٔ نکتهٔ مهم انجام کار فرهنگی توسط مربیان و عکس‌العمل برخی خانواده‌ها در قبال آن گفت: «کاری که ما می‌خواهیم انجام دهیم، یک کار فرهنگی است و متأسفانه فرهنگ ما بر ضد آن است. یعنی ما در خانواده بچه‌ها را تعقیب می‌کنیم که تو باید بهتر از دیگری باشی، یا تو باید رتبهٔ اول را کسب کنی. این چیزهایی که ما به بچه می‌گوییم، روح بچه را خراب می‌کنند. بنابراین، ما این مورد را یاد بگیریم که حداقل در پیش‌دبستان دنیای قشنگ‌تر و دوستانه‌تری مهیا کنیم. متأسفانه هر چه جلوتر می‌رویم، این شرایط بدتر می‌شود. حتی در جامعه‌هایی که سعی می‌کنند در ۳۰۰۰ روز اول آموزش عمومی رقابت نباشد. (یعنی از پیش‌دبستان تا کلاس نهم) رقابت نباشد، ولی در متوسطهٔ دوم رقابت وجود دارد. در همهٔ کشورهای دنیا به همین صورت است.

ما در سال ۱۳۹۷ سفری به ژاپن داشتیم و از مراکز پیش‌دبستان آن‌ها مدرسه‌های متوسطهٔ دوم بازدید کردیم. آن رقابتی که در متوسطهٔ دوم کشور ژاپن وجود دارد، کمتر از ایران نیست، اما در دورهٔ پیش‌دبستان واقعاً سعی می‌کنند این رقابت به هیچ وجه وجود نداشته باشد. در کنار تمام نکته‌هایی که خدمت شما عرض می‌کنم، تفاوت‌های فردی هر نوآموز اصالت دارد. البته چیزی که ما معمولاً آن را نمی‌بینیم، تفاوت‌های فردی خدادادی بچه‌ها مهم است. ممکن است جثهٔ یک بچه ضعیف و توان بدنی او کم باشد، یا توان ذهنی یک بچه متوسط یا متوسط رو به پایین باشد! به این بچه‌ها و به این تفاوت‌ها باید احترام بگذاریم. این موارد را نباید نقاط ضعف ببینیم. توانایی‌های بچه‌ها را هم نباید آن قدر بالا ببریم که آن‌ها را مغرور کنیم، طوری که وارد فضاهایی شوند که بگویند این من هستم و منم منم داشته باشند. مربی در پیش‌دبستان به هیچ وجه نباید به این مسائل دامن بزند.»

### مربی من خیلی خوب گوش می‌کند!

ناصری در ادامهٔ جلسه به نحوهٔ ارتباط و برخورد با خانواده‌های بچه‌های پیش‌دبستانی اشاره کرد و به مربیان و مؤسسان حاضر

باشید. سعی کنید با شتاب موضوع را به بچه انتقال دهید. این روند در دورهٔ دبستان وجود ندارد، ولی در دورهٔ پیش‌دبستان به این ترتیب است.

این نویسندهٔ مطرح کشور در ادامه به نکتهٔ مهم تفاوت حد یادگیری هر بچه با دیگری اشاره کرد و افزود: «حد یادگیری بچه‌ها با هم متفاوت است. قرار نیست همهٔ بچه‌ها را به یک نقطه برسانیم، چون آهنگ رشد بچه‌ها متفاوت است. بچهٔ پنج‌ساله ممکن است نسبت به هم کلاسی خود که هوش هیجانی بالاتری دارد، هوش ذهنی خیلی بالاتری داشته باشد. پس آن کودک می‌تواند در ارتباط موفق باشد و این کودک در مفاهیم، اصلاً هم لازم نیست این دو کودک را به هم برسانیم. کار ما اصلاً تغییر بچه‌های پیش‌دبستان یا تغییر توانایی‌های خدادادی فطری بچه‌ها نیست. پس حد یادگیری هر بچه متناسب با خود او متفاوت است. چون حد یادگیری هر کودک متفاوت است، بنابراین، هرگونه مقایسه با مسابقه در پیش‌دبستان اشتباه است. البته نه تنها در پیش‌دبستان، بلکه در همه جا غلط است. بچه‌ها را به هیچ وجه با یکدیگر مقایسه نکنید.»

ناصری همچنین تأکید کرد: «بین بچه‌ها مسابقه برگزار نکنید. یادتان باشد در حضور بچه‌ها یک کودک را تشویق نکنید. مثلاً نگویید که ببینید این بچه چقدر قشنگ صحبت کرد! نگویید بچه‌ها برای او دست بزنید. وقتی می‌گویید برای او دست بزنید، یعنی ۲۰ نفر از بچه‌های کلاس اصلاً دیده نشده‌اند و هیچ هستند. به هیچ وجه بچه‌ها را با یکدیگر مقایسه نکنید و بین آن‌ها مسابقه نگذارید.

البته بچه‌ها در بازی‌های ورزشی به‌طور طبیعی این چیزها را یاد می‌گیرند. مثلاً وقتی با یکدیگر فوتبال بازی می‌کنند و در جایی یک تیم قوی‌تر می‌شود، ممکن است در ابتدا ناراحت شوند و گریه کنند، ولی در عوض یاد می‌گیرند و بعداً این موارد را به‌صورت طبیعی در جامعه متوجه می‌شوند. یادمان باشد، یاد می‌گیرند. مسابقه در پیش‌دبستان مطلقاً ممنوع است. همچنین، مقایسهٔ دو نوآموز و حتی دو کلاس با هم نیز مطلقاً ممنوع است.»

باره گفت: «در اهمیت زبان آموزی باید بدانیم، در همه جای دنیا زبان آموزی محور اصلی و بلکه اولین محوری است که در کل دوره دبستان باید به آن توجه شود. بیشترین ساعت در دبستان به زبان آموزی تعلق دارد و در پیش دبستان به آمادگی‌های اولیه برای زبان آموزی. آمادگی اولیه یعنی شما در زبان آموزی باید بچه‌ها را به شنیدن و درست و خوب شنیدن توجه دهید. از چه طریق؟ با شعرها، قصه‌ها و حرف زدن‌ها و توجه به حرفی که بچه‌ها می‌گویند؛ یعنی گوش کردن. یعنی بچه‌ها باید وقتی در مورد یکی از ویژگی‌های شما به عنوان مربی صحبت می‌کنند، آن ویژگی این باشد که مربی بسیار مهربانی است. خیلی خوب گوش می‌کند و خیلی خوب به ما توجه می‌کند. این یعنی شما به یکی از مهارت‌های زبان آموزی که شنیدن است، دقت و توجه کرده‌اید.

مورد دوم حرف زدن است. یعنی هم خوب حرف بزنید و هم امکانی فراهم کنید که بچه‌ها صحبت کنند. بچه‌ها باید سکوت کنند تا ببینند دوست آن‌ها چه می‌گوید. همچنین، باید یاد بگیرند ما گفت‌وگو داریم. حرف می‌زنیم و حرف می‌شنویم.

سومین مهارت هم مهارت خواندن است. آیا ما خواندن داریم؟ خیر. ما در پیش دبستان خواندن در حد نقاشی داشتیم که آن را هم برداشتیم. ما در بعضی از کارهای خود برخی از حروف الفبا و ریتم الفبا را داشتیم، ولی گفتند بهتر است این را هم نداشته باشید و ما آن را برداشتیم.

اگر می‌خواهید در مورد این موضوع اطلاعات بیشتری کسب کنید، در اولین فرصت در گوگل در مورد اینکه آیا در دوره پیش دبستان آموزش حروف الفبا مناسب است یا خیر، جست‌وجو کنید. شما مقالات زیادی را خواهید دید که اصلاً به آموزش حروف الفبا در پیش دبستان توصیه نشده است. ما حروف الفبا را یاد ندادیم، بلکه نقاشی را آموزش دادیم. ناصری در این باره مثالی زد و تأکید کرد: «مثلاً آموزش عدد و شکل مربوط به آتش نشانی را آموزش داده‌ایم و این آموزش به کودکان مشکلی ندارد. هر فرد بی‌سواد هم می‌تواند آن را یاد بگیرد تا در مواقع اضطراری بتواند با آتش‌نشانی تماس بگیرد.

لطفاً با آموزش اعداد و حروف الفبا زحمت خود و معلم اول

در نشست یادآور شد: «اگر شما این کارها را انجام دهید، بچه‌ها این موارد را با روحشان خیلی خوب لمس می‌کنند. وقتی والدین از بچه می‌پرسند چرا مربی خود را دوست داری، بچه‌ها چیزهایی می‌گویند که مادر بچه متوجه می‌شود کار اشتباهی کرده است که کودک خود را در اختیار این مربی قرار داده است و برای دفعه بعد باید جای بچه را عوض کند. سعی کنید سایه مهربانی خود را بر سر همه بچه‌ها پهن کنید. این گونه نباشد که بعضی بچه‌ها در چشم شما باشند و بعضی بچه‌ها این گونه نباشند. متأسفانه در آموزش و پرورش دنیا بچه‌هایی که به تعبیر آن‌ها نخبه هستند، همیشه جلوی چشم هستند و بچه‌های ضعیف‌تر به شکل دیگری مورد توجه قرار می‌گیرند و بچه‌های حد وسط این دو حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد کلاس هستند و به هیچ وجه دیده نمی‌شوند. اگر به زندگی تحصیلی خود نگاه کنید، می‌بینید معلمان همیشه ناخواسته بچه‌های زرنگ را مورد توجه قرار می‌دهند، با بچه‌های متوسط کاری ندارند و با بچه‌های ضعیف‌تر هم طوری برخورد می‌کنند که مدام در حال مقایسه آن‌ها با بچه‌های قوی‌تر و بچه‌های دیگر هستند. بنابراین، باید شما به عنوان مربی کمک کنید در پیش دبستان چنین اتفاقاتی نیفتد.»

دبیر بسته «من می‌دانم، من می‌توانم» با توجه به انگیزه حضاران برای کسب اطلاعات بیشتر در خصوص ویژگی‌های یک بسته جامع گفت: «در پیش دبستان شما هر هفته چهار صفحه دارید. البته در کتاب بدن من به جای چهار صفحه هشت صفحه اول آن، در ویراست جدید، طوری است که ریتم کار ساده‌تر شده است. ما این تغییر را در ویراست جدید، با توجه به نظرات مربیان از نسخه‌های قبلی کتاب، اعمال کردیم. در کل تمام کتاب‌ها به صورت چهار صفحه چهار صفحه‌ای بسته شده‌اند که چهار صفحه برای یک هفته است. دو صفحه مفاهیم عمومی داریم، یک صفحه حل مسئله و یک صفحه هم زبان آموزی. این حالت و ریتم در صفحه‌های بعد تکرار می‌شود. یادمان باشد، ما در آموزش و پرورش و در دوره پیش دبستان حروف الفبا و اعداد را یاد نمی‌دهیم.»

در این فرصت، یکی از حضاران با طرح پرسشی خواستار توضیح بیشتر در خصوص زبان آموزی شد. ناصری در این



ابتدایی را زیاد نکنید. شما حروف الفبا را به صورت غیررسمی به بچه‌ها آموزش می‌دهید، در صورتی که این کار وظیفه معلم اول ابتدایی است. شما با این کار باعث می‌شوید بچه در پایه اول ابتدایی با شنیدن مطالب تکراری حوصله‌اش سر برود و شروع کند به شلوغ کردن و بی‌حوصلگی و بی‌توجهی در کلاس، و با تذکرات مکرر معلم مواجه شود. این معلم به مادر کودک می‌گوید بچه شما بیش‌فعال است و هزار انگ هم به او می‌زنند. پس ما نوشتن و خواندن به این معنی را در پیش‌دبستان نداریم. اما صداهای اول و آخر را داریم. چون کمبود فضا داشتیم، فقط صداهای اول و آخر را در اینجا آورده‌ایم. در راهنمای مربی هم تأکید کردیم که این دو مورد

را اصلاً با هم درس ندهید. یکی را در یک

روز و مورد دیگر را در روز دیگر باید بگویید. به هر شکل، زبان‌آموزی امر مهمی است، اما به شرطی که ما در کار دبستان مداخله نکنیم. البته این سخن سر دراز دارد و شما می‌توانید درباره آن مطالعه کنید.»

دبیر این بسته تربیت و یادگیری از راه‌های ارتباطی بیشتر برای دسترسی بهتر به اطلاعات تکمیلی نیز یاد کرد و افزود: «البته در کانالی که در اینجا داریم، اطلاعات جانبی زیادی قرار داده‌ایم. مثلاً مقاله‌ای در مورد زبان‌آموزی، کما اینکه اگر قبلاً

در این کانال عضو بوده باشید، در مورد

آن مطالبی دیده‌اید. در وبگاه هم که ان‌شاءالله راه اندازی خواهد شد، مطالب کامل‌تری قرار خواهیم داد و به‌طور دائم یک مجموعه اطلاعات جدید در مورد زبان‌آموزی و قالب‌های دیگر و اهداف بسته قرار می‌دهیم تا دانش و اطلاعات خود را در این حوزه بیشتر کنیم.

یکی از کارهای دیگری که ما انجام داده‌ایم و شما می‌توانید آن را در کنار کارهای خود داشته باشید، این است که ما برای تمام صفحات یک پاسخ‌نامه تدارک دیده‌ایم. این پاسخ‌نامه در واقع در انتهای کتاب و در کتاب مربی قرار دارد. پاسخ‌نامه یک موشن گرافی خیلی کوتاه است که آن را حل کرده است. البته حل کردن اصطلاح درستی برای آن نیست. یعنی در واقع صفحه‌ها و فعالیت آن را انجام داده است. چه کسی آن را انجام داده است؟ پاپالو.

یعنی بعد از اینکه کار شما تمام شد، اگر امکان کار نمایشی را داشته باشید، می‌توانید بگویید بچه‌ها ما این کار را انجام دادیم، حالا ببینیم آیا پاپالو هم آن را انجام داده است. ۵۰ ثانیه فیلم است. بچه‌ها ممکن است آن را ببینند و بخوانند تکرار کنید. شما نیز آن را برای بچه‌ها تکرار کنید. تکرار آن‌ها به معنای بازی است. فکر نکنید می‌خواهند چیزی یاد بگیرند. آن‌ها دوست دارند سرگرم شوند و می‌خواهند ببینند پاپالو آن را چگونه انجام داده است. اما ناخودآگاه و بدون اراده چیزهایی را یاد می‌گیرند.» او در ادامه از در اختیار مربیان و مؤسسان گذاشتن این کتاب‌ها سخن گفت. سپس به پرسش دیگری از حضاران در خصوص استفاده از موشن گرافی در سطح مراکز پیش‌دبستانی،

با توجه به وجود یا نبود امکانات پخش و نمایش، پاسخ داد و گفت: «چیزی که شما می‌فرمایید درست است و صحبتی که من در اینجا مطرح می‌کنم، در شرایطی است که حد معقولی از امکانات وجود داشته باشد، ولی اگر جایی این امکانات را نداشته باشد، به‌طور طبیعی نمی‌تواند این کارها را انجام دهد. مربی با انگیزه این امکانات را فراهم می‌کند.

در حال حاضر ما در کانال اینستاگرام تمام این موارد را بارگذاری (آپلود) می‌کنیم و شما می‌توانید آن‌ها را بارگیری (دانلود) کنید. ولی در سال‌های قبل که این امکان نبود، خودتان باید آن را انجام می‌دادید. بعضی از مربیان آن را انجام می‌دادند و برخی دیگر آن را انجام نمی‌دادند. اما یادمان باشد، درست است که ابزار کیفیت نمی‌آورد، ولی از طرف دیگر،

اگر کسی از ابزار به‌درستی استفاده کند، حتماً کیفیت می‌آورد. یعنی کسی که از این موشن‌ها استفاده کند، با کسی که از آن استفاده نمی‌کند، متفاوت خواهد بود؛ البته به شرطی که درست استفاده کند. پس این امکانات را باید فراهم کنید. اما اگر در یک مرکز پیش‌دبستان دولتی این امکانات فراهم نبود و خود مربی نیز نتوانست آن را انجام دهد، آیا به کار شما لطمه خواهد خورد؟ آیا اگر شما نتوانید این موشن گرافی پاسخ‌نامه را نشان دهید، کار شما لطمه خواهد خورد؟ پاسخ من این است که خیر. صریحاً خیر.

اگر شما امکان پخش قصه را نداشته باشید، حتماً به شما لطمه خواهد خورد. چون افکت دارد، صدای خوب دارد و در استودیو ضبط شده است، ولی اگر این امکان را نداشتید، خودتان می‌توانید تمرین کنید و آن قصه را به‌خوبی بخوانید. طبیعی است خوب خواندن شما یک تأثیر دارد و خواندن یک صداپیشه تأثیر دیگر! همه این‌ها امکاناتی هستند که در دست مربیان قرار دارند.»

## تجربه‌های مربیان و تغییرات ما

ایجاد فرصت طرح پرسش در طول جلسه، هم به برنامه تنوع می‌دهد و هم افراد فرصت می‌کنند دغدغه‌های خود را مطرح کنند و از زبان متخصص در این زمینه پاسخ و راهکار دریافت کنند تا در ادامه مسیر بهترین فعالیت‌ها را به اجرا بگذارند. در یک فرصت، یکی دیگر از حضاران به استفاده از بسته دیگری در پیش‌دبستانی خود اشاره کرد. ناصری نیز گفت: «در سند برنامه پیش‌دبستان انواع و اقسام محتواها وجود دارد. در بسته ما تیمی بالغ بر ۱۰۰ نفر حضور دارند که نماینده آن‌ها هستیم و با شما صحبت می‌کنم. تعداد زیادی قصه‌نویس، شاعر، مربی، گرافیک‌ساز و طراح در این تیم هستند و بنده به‌عنوان دبیر این مجموعه خدمت شما رسیده‌ام. این گروه به سند بالادستی نگاه کرد و این پخت و پز را انجام داد. اما ممکن است شما بخواهید از مواد محتوای سند بالادستی پیش‌دبستان غذای دیگری ببزید یا بسته دیگری انتخاب کنید. من به‌طور عمده در مورد این بسته صحبت کردم و بسته‌های

تمام صحبت‌هایی که  
عرض می‌کنم براساس  
اسناد بالادستی  
آموزش و پرورش است و  
یک امر تخیلی نیست

دیگر اقتضائات خود را دارند. البته مواردی را که در مورد مربی ذکر کردم، در مورد همه بسته‌ها صدق می‌کنند.

در مورد کاربرد نیز خدمت شما توضیح دادم. بچه‌ها هر روز در کلاس می‌توانند یک فعالیت انجام دهند که ریتم آن همان ریتم محتوایی و موضوعی کتاب‌هاست؛ یعنی بر این موارد مبتنی هستند.

یکی از ایرادهایی که در سال گذشته به کاربردها گرفتند، این بود که بعضی تصویرها خیلی ریز هستند. ما تصویر را عوض کردیم. در مورد رنگ‌ها صحبت شد و ما تغییراتی را اعمال کردیم. در مورد سنگینی بعضی از صفحه‌ها صحبت کردند و ما تغییراتی را انجام دادیم. می‌توانم بگویم، امسال، متناسب با درخواست‌ها و نقدها، کاربرد تقریباً ۴۰ درصد تغییر کرده است. فکر می‌کنم صفحه‌های اولیه بدن من و تغییراتی که در آن انجام شده و ۴۰ درصد تغییر در کاربردها، کمی حال و هوا را برای نوآموز جذاب‌تر کرده است. اما اگر باز هم لازم باشد، در آن تغییراتی انجام می‌دهیم. زیرا تمام ساخته‌های بشر، به غیر از قرآن، قابل تغییر و اصلاح هستند و کسی نباید نسبت به آن‌ها تعصب داشته باشد.

ما تجربه‌های خود را عملی می‌کنیم و مربیان نیز تجربه‌های کف کلاس خود را به ما منتقل می‌کنند. ما می‌فهمیم که حرف آن‌ها درست است و تغییرات را انجام می‌دهیم. این تغییرات را ما در فعالیت‌های مداد کاغذی داشتیم.»



یکی دیگر از شرکت‌کنندگان در برنامه سؤال کرد چرا زبان انگلیسی در این بسته گنجانده نشده است و محمد ناصری در جواب گفت: «آموزش زبان انگلیسی یا هر زبان دوم دیگری، مانند فرانسه یا آلمانی، در ایران و بنا بر قانون، اصلاً مجاز نیست. البته در پرائنتز عرض می‌کنم

که آموزش زبان در سن پایین‌تر بهتر اتفاق

می‌افتد و در آن تردیدی نیست. اما زمانی که در کشور ما زبان مادری هنوز رونق نگرفته است و به‌خوبی از آن استفاده نمی‌شود، هیچ وجهی ندارد بچه‌های خود را با زبان دوم درگیر کنیم. زیرا هم قانون آن را منع می‌کند و هم در کشور ما مشکلات متعددی در خصوص دوزبانه‌ها و قومیت‌ها وجود دارند که ابتدا باید روی آن هویت ملی که زبان فارسی باشد بیشتر تأکید کنیم.

زمانی من در کانون زبان ایران بودم، خودم به‌شخصه تجربه کردم که یکی از دوستان من که زوجی بودند و در حال حاضر در ایران نیستند، با کودک خود انگلیسی صحبت می‌کردند. هر دو هم مدرس زبان انگلیسی بودند. من از ایشان پرسیدم چرا این کار را می‌کنید، ایشان گفتند ما برنامه داریم از ایران برویم. به این ترتیب، در منزل با کودک خود به زبان انگلیسی صحبت می‌کردند. وقتی فرزند آن‌ها در حدود چهار سال داشت، یک روز او را به مؤسسه آوردند و وقتی من از کودک سؤال کردم

حالش چطور است، متوجه شدم او نمی‌تواند به‌خوبی به زبان فارسی صحبت کند. من از این موضوع خیلی ناراحت شدم. به دوست خودم گفتم، درست است که شما می‌خواهید بچه را جلو ببرید، ولی به چه بهایی این کار را انجام می‌دهید؟

زبان فارسی را باید با تمرین حرف‌زدن و حرف‌شنیدن و در معرض زبان قرار گرفتن تقویت کرد. وقتی بچه‌ای را که هنوز از زبان مادری خود درک درستی ندارد، وارد زبان دیگری می‌کنید، این در واقع نوعی جفا به حق و حقوق کودک است. فقط پدر و مادری که اصالتاً زبان مادری خودشان چیز دیگری باشد، مثلاً زبان ترکی، عربی، بلوچ یا کردی، حق دارند به آن زبان صحبت کنند و بهتر است خوب هم صحبت کنند. برای اینکه بچه خودبه‌خود این زبان را خواهد آموخت. اما آوردن زبان دوم، به‌عنوان زبانی بیگانه و زبانی خارج از جغرافیای ملی ما، اولاً منع قانونی دارد و دوم به زبان مادری، که فرض است به‌عنوان هویت ملی در نظر گرفته شود، نیز آسیب می‌زند.»

## ترغیب آری، تکلیف خیر

در هر کار یا برنامه‌ای یک مجموعه نکته‌ها می‌توانند خارج از قاعده و دستور باشند. به همین دلیل

پرداختن به آن‌ها ممنوع است. شاید برای برخی افراد جالب باشد که بدانند در پیش‌دبستانی چه کارهایی نباید انجام شوند. در همین ارتباط، در کتاب اولیا و والدین بسته تربیت و یادگیری به این موارد اشاره شده است. سخنران جلسه در همین باره خطاب به شرکت‌کنندگان گفت: «اما چه کارهایی در پیش‌دبستان ممنوع هستند؟ ما این صفحه را برای اولیا در نظر گرفته‌ایم. به این منظور که اولیا متوجه شوند مقایسه عملکرد نوآموز با عملکرد دیگر ممنوع است. اجبار برای دست‌یافتن نوآموز به

یک نقطه ممنوع است. آموزش الفبا ممنوع است. اگر کسی به شما گفت چرا الفبا را آموزش نمی‌دهید، باید بدانید که ممنوع است. دادن هرگونه تکلیف به نوآموز در خانه ممنوع است و این کار به‌شدت اشکال دارد. ما برای پدر و مادرها تکلیفی داریم که به‌موقع آن را خدمتتان عرض می‌کنم. ولی شما به‌هیچ‌وجه تکلیف منزل به نوآموز نمی‌دهید. حتی داخل کلاس نیز تکلیف ندهید. اگر دیدید بچه‌ای در یک موضوع با شما همراهی نمی‌کند، خیلی به او فشار نیاورید. شما می‌توانید نوآموز را ترغیب کنید و ترغیب کار خوبی است. اما تکلیف کار بدی است. در پیش‌دبستان تکلیف مانند سم است. اگر می‌خواهید بچه پیش‌دبستان از یک چیز زده شود، به او تکلیف بدهید. من مثالی خدمت شما عرض می‌کنم: اینشتین می‌گوید، تمام بچه‌ها قبل از اینکه وارد آموزش رسمی شوند، تا ۹۰ درصد خلاقیت دارند و زمانی که وارد آموزش رسمی می‌شوند، خلاقیت آن‌ها به شدت افت می‌کند و به پنج درصد می‌رسد. آیا می‌دانید یکی از دلایل این موضوع تکلیف است؟

دنیای پیش‌دبستان  
جنس دیگری دارد و  
جنس آن از مهارت و  
تاثیرگذاری واقعی  
بر روی رفتار است



خیلی هم مهم است.»  
 در این فاصله یکی از حضاران دربارهٔ انس با قرآن در کودکان، از سخنران جلسه خواست راهنمایی لازم را ارائه کند. ناصر نیز در پی این درخواست گفت: «بچه‌ها به خاطر بافت خانوادگی خود و تأثیرپذیری که از پدر و مادرشان دارند، تغییر می‌کنند. مثلاً من دوستانی داشتم که قاری یا حافظ قرآن بودند. بچه‌های آن‌ها به‌طور طبیعی تعداد سوره‌هایی که می‌دانند از من بیشتر است، چون وقتی پدر به شنیدن تلاوت قرآن علاقه‌مند است و در منزل آن‌ها صدای قرآن بلند است، این بچه به‌طور طبیعی تأثیر می‌پذیرد. همان‌طور که بچه برای نماز دولا و راست می‌شود، بدون اینکه آن را بفهمد. در واقع آن فعالیت به زعم او بازی است. این کودک وقتی تکرار را در محیطی امن و آرامش‌بخش و جذاب می‌بیند، ترغیب می‌شود. کما اینکه آن طرف قضیه هم همین‌طور است. مثلاً اگر در منزلی دائم صدای آواز و آهنگ باشد، طبیعتاً آن بچه نیز همان را یاد می‌گیرد. بنده می‌گویم فضای داخلی واقعی خانواده خیلی مهم است. بچه‌ها همچنین، فضای واقعی روحی مری هم بسیار مهم است. بچه‌ها حس می‌کنند شما چه چیزی را با عشق به آن‌ها یاد می‌دهید و چه چیزی را می‌خواهید به آن‌ها تحمیل کنید. آن‌ها به شما چیزی نمی‌گویند، بلکه آن را حس می‌کنند. شما اگر در برخورد با بچه یک‌ساله حتی قیافهٔ برافروخته داشته باشید، می‌بینید آن بچه با شما ارتباط برقرار نمی‌کند. چرا بچه‌ها غالباً با پیرمردها و پیرزن‌ها و افراد مسن ارتباط برقرار می‌کنند، چون آن‌ها آرامش را به منتقل می‌کنند و بچه‌ها می‌توانند نزد آن‌ها آزادانه رفتار کنند. ولی بچه‌ها کنار اشخاصی که معلم‌بازی درمی‌آورند و مدام می‌خواهند چیزی را به آن‌ها بیاموزند، احساس راحتی ندارند. حتی حضرت رسول (ص) با عمل خود مردم را هدایت می‌کرد.»  
 دیگری در ادامه پرسشی در باب صحبت با بچه‌ها دربارهٔ یک موضوع در یک روز از هفته و بازگشت به همان مبحث در دو روز دیگر اشاره کرد و از ناصر خواست در این زمینه راهنمایی کند. ناصر در این خصوص گفت: «شما به‌طور مثال روز شنبه یک درس یا یک فعالیت را درس می‌دهید و دو روز بعد و در روز دوشنبه دوباره به آن صفحه برمی‌گردید. این فقط در تفکر و حل مسئله اتفاق می‌افتد، چون در تفکر و حل مسئله به‌طور دائم می‌خواهید یک تصویر را از جاهای متفاوت ببینید. در موارد دیگر این‌گونه نیست. ولی در زبان‌آموزی نیز

وقتی شما بچه را به کاری مکلف می‌کنید، او را زده می‌کنید. شما فقط بچه را ترغیب کنید. حتی تشویق به معنای اینکه بخواهید بچه را بر سر شوق بیاورید نیز اشتباه است. می‌توانید به بچه انگیزهٔ درونی بدهید. انگیزهٔ درونی بچه‌ها در فطرت آن‌ها کشف است. خدمت شما عرض کردم، بچهٔ دو ماهه چگونه با چشم‌های خود به اطراف نگاه می‌کند؟ پس اگر شما به بچه توجه بدهید، او خودبه‌خود این کار را انجام می‌دهد. وقتی شما در کلاس به بچه‌ها می‌گویید بیاید دنبال رنگ قرمز در کلاس بگردید، بچه‌ها رنگ‌ها و نقاطی قرمز رنگ پیدا می‌کنند که شما قبلاً حتی آن‌ها را ندیده‌اید، چون تیزبینی بچه‌ها بیشتر است. ولی حرف از آموزش رنگ‌ها می‌زنید و هر روز یک رنگ را به بچه آموزش می‌دهید و او را مکلف می‌کنید حتماً این کار را انجام دهد، بچه خیلی خیلی زود زده خواهد شد. چرا می‌گویند در جشن تکلیف بچه باید به عقل رسیده باشد و جشن بگیرد و چرا قبل از آن تکلیفی وجود ندارد؟ یا مثلاً چرا می‌گویند در دختر بچه‌ها سن تکلیف فرق می‌کند؟ بعضی‌ها می‌گویند بعضی شواهد باید باشند تا بچه مکلف شود و سن تقویمی شرط نیست. دلیل این است که برای تکلیف باید بهره‌ای از عقلانیت وجود داشته باشد که بچه متوجه آن شود و آن را بپذیرد. ولی وقتی شما به بچه تکلیف می‌کنید، در صورتی که بچه آمادگی و گنجایش و ظرفیت و فهم آن را ندارد، به این ترتیب شما او را دور می‌کنید. مقدس‌ترین متنی که همهٔ ما به آن اعتقاد داریم، قرآن است. اگر توانستید بچه را با جذابیت به قرآن جذب کنید، آن را انجام دهید، ولی وقتی اول صبح بچه‌ها را به مدت ۱۵ دقیقه مجبور می‌کنند بایستند و به قرآنی که پخش می‌شود گوش دهند، فکر نکنید با این کار به قرآن خوانی کمک می‌کنید. شما با این کار ناخواسته و با نیتی صادق و پاک دارید بچه را زده می‌کنید. با اجبار و اکراه و تکلیف چیزی در ذات بچه نمی‌گنجد.»

ناصری در ادامه به اهمیت جدی‌ترین کار کودک که همانا بازی است تأکید کرد: «جدی‌ترین کار بچهٔ پنج‌ساله بازی و سرگرمی است. بنده تأکید می‌کنم، چون بسیار مهم است. پس به بچه‌ها تکلیف ندهید. هنر مری ترغیب است نه تکلیف. به پدر و مادرها هم باید این موضوع را بگویید. اما در مورد بازی که گفتیم مهم‌ترین و جدی‌ترین کار بچه‌هاست، آیا بازی فقط دویدن بچه‌ها در حیاط است؟ البته که آن هم بازی است و

کودکی است و سن بسیار عجیبی است. فکر نکنیم مورچه، برای بچه، یک چیز رشدنی و عبوری است! فکر نکنیم فرایند کاشت یک دانه در خاک یا کاشت گندم در عید برای بچه‌ها چیز ساده‌ای است! این اتفاقات برای بچه پنج‌ساله از مهم‌ترین اتفاقات است، ولی ما به آن‌ها عادت کرده‌ایم.»

## لذت بردن از اکتشاف فقط بچه‌ها و دانشمندان

ناصری در ادامه صحبت‌هایش گفت: «تیمایوشیچ برای فرزندش نامه‌ای دارد که به او می‌گوید تو به فصل‌ها خوب نگاه کن. اگر خوب نگاه نکنی، بعد خواهی دید که دنیا مدام در حال تکرار شدن است. برای بچه پنج‌ساله، خورشید و ماه و باد و بیابان و درخت و باران همه یک اتفاق و یک کشف است، اما برای ما، چون به آن عادت کرده‌ایم، چیز عجیبی نیست. همه ما این تجربه را داریم که بچه‌ها اسباب‌بازی‌های زیادی دارند، ولی با یک عروسک که به قول خودمان داغون است و یک دست آن کنده شده است، بهتر ارتباط می‌گیرند. چرا با آن ارتباط می‌گیرند؟ چون دنیای تخیل آن‌ها آن‌گونه است. مظاهر طبیعت را کم نگیریم! خاکی را که ما در آن دانه‌ای می‌کاریم کم نگیریم! باران را کم نگیریم! می‌توانید برای بچه کتری را بگذارید بجوشد و بخاری را که سرد می‌شود و دوباره برمی‌گردد، به او نشان دهید و بگویید باران به این شکل می‌بارد. این موارد را کم نگیرید!

شما حتماً ماری کوری را می‌شناسید. ایشان دو بار جایزه نوبل گرفته است: بار اول به خاطر فیزیک و به خاطر پلوتونیوم. البته با همسرش این کار را کردند. همسر او دانشمند بود و این کشف به اسم ایشان و همسرش و یک همکار دیگر ثبت شد. برای اینکه نمی‌خواستند یک زن زیاد مطرح شود. جایزه اول را این سه نفر گرفتند. البته اصل کار برای خانم ماری کوری بود. زمانی که دعوتنامه آکادمی سوئد را برای ایشان فرستادند، زن و شوهر وقتی نامه را دیدند، تصور کردند یک تشویق عادی است و آن را کنار گذاشتند. نمی‌دانستند جایزه‌ای بزرگ در انتظار آن‌هاست. با خود گفتند برای چه این همه راه را برویم! آن‌ها از لهستان به آلمان رفته بودند و تصور می‌کردند برای چه باید این مسافت طولانی را از آلمان به سوئد بروند؟ بعد از مدتی، به آن‌ها گفتند شما باید جایزه‌ای به این بزرگی را بگیرید. آن‌ها هم چون آزمایشگاه کوچکی داشتند که می‌خواستند آن را بزرگ‌تر کنند، بالاخره رفتند و جایزه را گرفتند. نکته اینجاست که دانشمندان و بچه‌ها فقط از کشف کردن لذت واقعی می‌برند.»

او درباره این لذت، خطاب به حضاران که مشتاقانه شنونده بودند، گفت: «ما چگونه بچه را خراب می‌کنیم؟ وقتی حس بچه از یک کشف، لذت بردن است، ما به جای اینکه با حس او همراه شویم، می‌گوییم بچه‌ها ببینید این بچه چقدر قشنگ این مطلب را فهمید! برای او دست بزنید و تشویقش کنید. یعنی انگیزه درونی کشف کردن را که خود با هیچ چیز قابل



همین‌طور است. در زبان‌آموزی نیز باید صدای اول و صدای آخر را حتماً در دو روز آموزش دهید. یعنی ما نمی‌گوییم این دو صفحه را حتماً در فلان روز کار کنید، چون به صورت دو صفحه دو صفحه تعریف شده است. ما در تفکر و حل مسئله به جهت موضوع و در زبان‌آموزی نیز به جهت موضوع، رفت و برگشت داریم. این قسمت در واقع به این دلیل آمده است. قالب‌هایی که در اینجا آمده‌اند در واقع نوعی بازی است. قصه، شعر و کار دست‌نی نیز همگی نوعی بازی هستند. آزمایش، نمایش خلاق و گردش علمی نیز هر کدام نوعی بازی هستند. خود بازی از همه مهم‌تر است. من اخیراً گفت‌وگویی داشتم با بنیان‌گذار مدرسه طبیعت (که الان دیگر فعال نیستند). تعبیر ایشان این بود که مهم‌ترین ویژگی زندگی من این است که کودکی پروپیمانی داشتم. من از ایشان سؤال کردم کودکی پروپیمان یعنی چه؟ ایشان گفت منزل ما در سبزوار، خانه‌ای معمولی بود که پشت آن خرابه‌ای داشت. در این خرابه علف‌های هرز روییده بودند و در انتهای آن دو اتاق قرار داشت که قبلاً گاوداری بود و بعد از اینکه خانه به بافت شهری وارد شده بود، گاوها دیگر آنجا نبودند و در و پنجره‌های مخروبه باقی مانده بود. تمام کودکی من در این خرابه گذشت. من خود را امپراتور آنجا می‌دانستم.

از ایشان سؤال کردم در آنجا چه کار می‌کردید؟ گفت، برای مورچه‌ها گندم می‌ریختم و رد آن‌ها را دنبال می‌کردم. این مورچه‌ها می‌رفتند و من هم با آن‌ها. یا مثلاً در لانه زنبورها چوب می‌کردم و آن‌ها مرا دنبال می‌کردند. از ایشان سؤال کردم آیا زنبورها شما را نیش نمی‌زدند؟ می‌گفت زنبورها به قدری مرا نیش زده بودند که هر وقت نیش می‌خورم (دست در جیب خود کرد و چیزی نشان داد و گفت) یک دانه از این‌ها به خودم می‌زنم. ایشان می‌گفت، انس و الفتی که من با طبیعت داشتم، با هیچ چیز دیگر نداشتم. ایشان خاطره‌ای هم از اینکه با یک بچه گربه چه کار می‌کرد برای من تعریف کرد. همچنین، اینکه با تیر و کمان گنجشک‌ها را می‌زدند. این خاطرات به دوران کودکی و حدود پنج‌شش سالگی ایشان مربوط بود.

ما کودکی را حدوداً از بیگی تا ۱۲ سالگی می‌دانیم که تقریباً بچه در آن به سن تکلیف می‌رسد. ولی پنج‌سالگی اوج دوران

مقایسه نیست، به انگیزه بیرونی بردید و چیز دیگری به بچه دادید و بچه را خراب کردید.

بچه پنج‌ساله می‌تواند از همه چیز لذت ببرد. برای کسانی که می‌گویند امکانات و ابزار ندارند، می‌گویم که امکانات و ابزار می‌تواند به مقدار زیادی با خودش کیفیت بیاورد، اما این انگیزه درونی، دادن نهایت لذت است، نه امکانات زیاد و فراوان.

بچه‌هایی را که بسیار ثروتمندند و در آخر نیز به هیچ‌جایی نمی‌رسند، دیده یا شاید داستان‌های آن‌ها را خوانده باشید؛ در حالی که انواع و اقسام وسایل و فیلم‌ها و امکانات و هزاران گیم را داشتند.»

این مدیر فرهنگی که سال‌ها سابقه تدریس نیز دارد، در این بخش از جلسه درباره چیزی که همه با نام گیم از آن نام می‌برند، توضیح داد و گفت: «در اینجا نکته‌ای را در مورد گیم عرض می‌کنم و آن اینکه بچه‌هایی که زیاد گیم بازی می‌کنند، در اصل اصلاً بازی نمی‌کنند، چون گیم یعنی برنامه‌ای که شما در بازی به بچه می‌دهید و او باید از ابتدا تا انتهای آن را برود و در آن تخیلی وجود ندارد. ولی در بازی بداهه یا همان بازی من‌درآوردی بچه‌ها و دویدن آن‌ها، ضمن اینکه عضلات تقویت می‌شوند، رشد نیز صورت می‌گیرد.

چنین بازی‌هایی علاوه بر اینکه در تعامل و تقابل آن‌ها تأثیرگذار است، خلاقیت‌هایی هم برای آن‌ها در بر دارد.

گاهی اوقات بچه‌ها بازی‌هایی به‌صورت بداهه انجام می‌دهند. مثلاً دو تا بچه با هم بازی می‌کنند. یکی از بچه‌ها سه تا سنگ دارد و دیگری هم سه تا و به‌طور جدی با همدیگر شطرنج یا منج بازی می‌کنند. یا با یک چوب به‌صورت جدی بازی می‌کنند و به زعم خود خانه می‌سازند. با توجه به محیط بومی خود، بازی‌های جدیدی را کشف کنید. این هم نکته بسیار مهمی است. از بوم خود یا از فضای خودتان یا

از امکاناتتان استفاده کنید. چون برای بچه‌های پیش‌دبستان یا اول ابتدایی یا در کل بچه‌ها، نباید چنین باشد که حتماً آن‌ها را به موزه یا جای مهمی ببرید تا موزه را ببینند و چیزی یاد بگیرند. یا لازم نیست حتماً آن‌ها را به جای مهمی ببرید! اصلاً این‌گونه نیست که جایی که برای ما شگفت‌انگیز و مهم باشد، برای بچه‌ها هم باشد! شاید برای آن‌ها اصلاً هم جالب نباشد.

یک بار در موزه لوور پاریس چند بچه پنج‌ساله را دیدم که نشسته‌اند و نقاشی خیلی مهمی را می‌بینند. من به دوست مترجمم گفتم این بچه‌ها در حال انجام چه کاری هستند؟ آن‌ها که از این اثر نقاشی چیزی نمی‌دانند! او گفت آن‌ها فقط تفکیک رنگ‌ها را نگاه می‌کنند. چون رنگ قرمز یک مجموعه طیف دارد و رنگ سبز هم یک مجموعه طیف. بچه‌ها نشسته بودند و این طیف رنگ‌ها را نگاه می‌کردند و می‌دیدند که مثلاً این رنگ نزدیک به فلان رنگ است. کسی که در نقاشی مثلاً مهم و معروفی به رنگ‌ها نگاه می‌کند و تفکیک رنگ‌ها را به ذهن خود می‌سپارد و به این ترتیب به اجزا دقت می‌کند، وقتی

بزرگ شود، تصویر کلی این نقاشی در ذهن او هست؛ انگار نوعی آشنایی با آن نقاشی دارد و بعد آن را خوب می‌فهمد.

کسانی که به حفظ کردن علاقه‌مند هستند، می‌دانند که مثلاً در دوران کودکی ممکن است شعری را حفظ کنیم، ولی معنای آن را نفهمیم. مثلاً یک ضرب‌المثل از سعدی یا یک بیت از مولوی یا یک مصرع از حافظ یا یک بیت از شاهنامه فردوسی، به خاطر ریتم شعر، در بچگی در خاطر ما می‌ماند. بعدها معنی شعری را که از دوران کودکی در ذهن ما بود، متوجه می‌شویم. یعنی شعر در پس ذهن ثبت می‌شود و بعداً آن را کشف می‌کنیم. اگر دقت کنید، وقتی برای بچه‌ها قصه می‌خوانید، آن‌ها خیلی لذت می‌برند و باز هم می‌گویند آن را تکرار کن. بچه‌های پنج‌ساله اگر از یک قصه خوششان بیاید، می‌گویند آن را ۱۰ بار تکرار کن، چون در هر بار تکرار لذت و کشفی وجود دارد که ما نمی‌فهمیم. زیرا ما در دنیای آن‌ها نیستیم.»

دبیر بسته سپس به انواع قالب‌هایی که در این بسته در نظر گرفته شده‌اند اشاره کرد و گفت: «به‌صورت تک‌تک وارد قالب‌ها نمی‌شوم. قالب‌ها باید به صورتی مطرح شوند که در آن‌ها لذت و سرگرمی وجود داشته باشد. عنصر لذت و سرگرمی مهم‌ترین وجه ترغیبی بچه به انجام آن قالب بازی

است. شما در یازده قالب فعالیت‌های بسیار زیادی دیده‌اید؛ مثل مشاهده و فیلم. غفلت نکنید و اگر امکان نمایش فیلم در کلاس وجود دارد، خواهش می‌کنم آن را پخش کنید. چون دنیای بچه‌ها تصویری است و خیلی از پیام‌های مهم مهارتی، به‌زعم ما، در آنجا آمده‌اند. مثلاً وقتی بچه بدون اجازه از غذای دوست خود برمی‌دارد و آن را می‌خورد (که موضوع یکی از فیلم‌های ماست) و مادرش سؤال می‌کند چرا بی‌اجازه این کار را انجام دادی، باید بدانید که بچه همه چیز را برای خودش می‌داند. وقتی می‌خواهید این قاعده را به بچه یاد بدهید که وقتی

می‌خواهید از دوستان چیزی بگیرید، باید برای آن اجازه بگیرید، اگر به‌صورت مستقیم به بچه بگویید، (ببخشید) مفت نمی‌ارزد و بچه آن را گوش نمی‌دهد، اما کارتون می‌تواند این رفتار را به او یاد بدهد، چون بچه با آن و با شخصیت داستان همزادپنداری می‌کند. با شخصیت عامل آموزشی شما که همان پاپالوسست نیز همزادپنداری می‌کند. فیلم و نقاشی نیز قالب‌های مهمی هستند.»

سخنران جلسه در ادامه به سراغ مبحث آموزه‌های قرآنی رفت و تأکید کرد: «اجازه دهید در مورد آموزه‌های قرآنی نیز کمی صحبت کنیم. ما ۱۵ آیه بسیار کوتاه قرآنی داریم. یکی از آن‌ها سلام علیکم است. مهم است بچه بداند که سلام علیکم که از شما شنیده است، خود یک آیه قرآن است. یا وقتی دارید در مورد اعضای بدن من صحبت می‌کنید، با شعر «دو چشم دارم من، مثل دو شمع روشن، مال منه»، بتوانید در آخر آن که شکر خدا را می‌گویید، با هنرمندی بتوانید آیه «الله خالق کل شیء» را بیاورید.

**پشت این بسته روح و فلسفه‌ای وجود دارد و اگر مربی از این فلسفه مطلع باشد می‌تواند به راحتی با آن کار کند**

ما در پی دی‌اف‌ها نیز اشاره‌هایی کرده‌ایم که مریدان باید آن‌ها را بخوانند. یک مجموعه رمزینه نیز هست که خوب است آن‌ها را باز کند و بخواند. کاردستی هم یک کار بسیار پرزحمت، ولی بسیار بسیار جذاب است. لطفاً از کاردستی و آزمایش چیزی کم نگذارید. چون عضلات بچه و هماهنگی بین چشم و ذهن و دست بسیار اهمیت دارد و آزمایش و کاردستی و گردش علمی در آن بسیار مهم است. قبلاً عرض کردم، گردش علمی می‌تواند در حیطه مدرسه یا باغچه یا پارک یا بردن بچه‌ها به نانوایی یا کتابخانه یا حتی کتابخانه و کتابفروشی کودک و نوجوان باشد تا بچه‌ها بتوانند در آنجا آزادانه حرکت و نگاه کنند. اینکه شما بچه را به نانوایی ببرید تا آنجا را ببیند و تکه‌ای نان گرم بخورد، مزه این نان در گردش علمی برای او بسیار متفاوت خواهد بود.

ما در هر کتابی یک پروژه تعریف کرده‌ایم که کار گروهی را به بچه‌ها یاد می‌دهد. مثلاً یک لانه برای پرندگان یا گنجشک‌ها می‌سازید و به بچه‌ها می‌گویید برای آن چوب جمع کنید یا گلدان بسازید. این کار برای مربی حوصله‌بر است، ولی برای نوآموز حوصله‌ساز است. یعنی بچه در پنج‌سالگی باید یک چیز واقعی و تغییر در گذر زمان را یاد بگیرد. در اصل یاد دادن زمان و اینکه تحمل گذشت زمان را داشته باشیم، در پروژه‌ها به دست می‌آید. در زمان کودکی ما بچه‌ها مثلاً کرم ابریشم پرورش می‌دادند. برگ درخت توت را می‌کنند و مراحل تبدیل کرم ابریشم به پروانه را که گذر زمان در آن مهم است یاد می‌گرفتند. یا بزرگ‌شدن جوجه را می‌دیدند. باید ببینیم در چه فعالیت‌هایی می‌شود بچه‌ها را درگیر زمان کرد تا متوجه تغییر و گذر زمان شوند.»

دبیر بسته «من می‌دانم، من می‌توانم» در فرصت انتهایی برنامه به یک مجموعه نکته درباره این بسته اشاره کرد و گفت: «در کتاب راهنمای والدین صفحه‌ای داریم که پیشنهادهای مربوط به پدر و مادرهاست. این صفحه چهار رمزینه دارد که در هر کدام تعدادی فعالیت وجود دارد. مثلاً به مادر گفته‌ایم نخود و لوبیا را قاتی کنید و از بچه بخواهید آن‌ها را از هم جدا کند. یا در پاک کردن سبزی خوردن کودک را مشارکت دهید. این فعالیت‌ها باعث می‌شوند اولاً پدر و مادرها بفهمند از این جنس کارها باید به کودک داده شود، چون این کارها مهارتی

هستند و فضای ذهنی خود را راحت‌تر با شما تنظیم می‌کنند. ۱۶۰ فعالیت را به پدر و مادر پیشنهاد کرده‌ایم. آخرین صفحه مربوط به ارزشیابی است. ارزشیابی در این کتاب یعنی اینکه ما مسئول تغییر بچه‌ها نیستیم، بلکه مسئول ترغیب توانایی‌های فطری آن‌ها هستیم، چیزهای مهمی را که بچه‌ها دارند، شما در آنجا تأکید کنید. مثلاً اگر بچه‌ای توانایی‌های ذهنی خوبی یا دست‌ورزی خوبی یا کار گروهی خوبی دارد، یا اگر بچه‌ای ادب و اخلاق خوبی دارد، این موارد را در اینجا تأکید کنید. اگر بچه‌ای در مهارت‌هایی که معمولاً بچه‌های پنج‌ساله دارند، مثلاً در دست‌ورزی ضعیف است، در آنجا پیشنهاد دهید با این کودک سعی کنید بیشتر نقاشی بکشید، نه اینکه برای بچه نقطه‌ضعف بیان کنید. یا اگر بچه‌ای روابط عمومی چندان خوبی ندارد، پیشنهاد دهید او را بیشتر به مهمانی ببرند و با هم‌سن‌وسال‌هایش بیشتر مرادده کند. حتماً به پدر و مادرها توصیه کنید از بچه بخواهند قصه‌هایی را که در پیش‌دبستان یاد می‌گیرند، برای شما تعریف کنند.»

ناصری در انتها اضافه کرد: «ما یک کانال ایتا داریم که هر روز، به‌خصوص در همراه که کار شما شروع می‌شود، چندین پیام و نکته و فیلم در آن هست. خواهش می‌کنم در آن عضو شوید. چون برای شما کاربردی خواهد بود. همچنین، وبگاهی داریم که مرکز تخصصی تربیت و یادگیری کودک است. (www.paapaaloo.com)

در این وبگاه، با انشخاکی که در حوزه‌های مختلف تربیتی فعال هستند، صحبت خواهیم کرد و گفته‌های مناسب پنج‌سالگی را در آن قرار می‌دهیم. البته بعدها که اپلیکیشن نیز ساخته شود، آن را در کانال قرار می‌دهیم. منظور من این است که وقتی ما از اینجا می‌رویم، ارتباط بین ما با شما قطع نمی‌شود و این ارتباط از طریق وبگاه و کانال ما ادامه خواهد داشت. امیدواریم از طریق کارگاه‌هایی که در آینده می‌توانیم داشته باشیم، این ارتباط پابرجا بماند.

در پایان از دقت نظر و همراهی شما تشکر می‌کنم. این گزارش نیز در جنوب شرقی‌ترین استان کشورمان به انتها رسید، اما ارتباط ما از طریق شبکه‌های اجتماعی ایرانی موجود همچنان پابرجاست. امیدواریم گزارش بعدی را در شهر و دیار شما باشیم.

